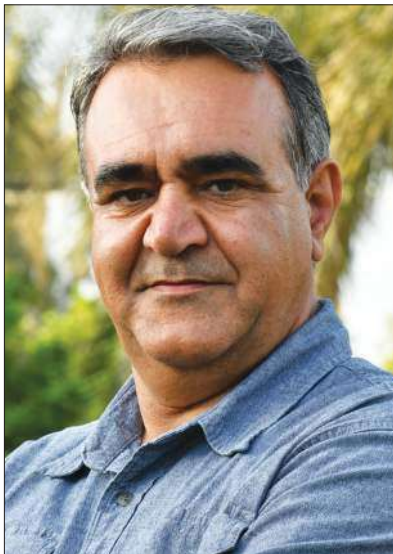


جنوب شرق ایران

شکل‌گیری اجتماعات اولیه تا ورود به دوران شهرنشینی (عصر مفرغ) با نگاهی به ارتباطات منطقه‌ای و روابط تجاری بازرگانی در دنیای باستان

♦ دکتر نادر علی‌دای سلیمانی

باستان‌شناس



عمیق کوهستانی و ورود به دشت جیرفت، از بخش میانی این دشت گذر کرده و در امتداد خود با گذر از کناره غربی دشت رودبار به باتلاق جازموریان که بازمانده یک دریاچه بزرگ و کهن در جنوب شرق ایران است، می‌ریزد. پهنه‌های بزرگ دشتی چون دشت جیرفت، دشت اسفندقه، دشت بلوک، دشت فاریاب، دشت‌های رودبار، قلعه گنج و کهنوج که حاصل طغیان‌های مکرر رودها و انباشت غنی از خاک رس ارتفاعات پیرامون است و آب‌وهوای گرم و مرطوب که شرایط بسیار مطلوبی را برای رشد و بالندگی موجودات زنده فراهم کرده است، سبب شده تا در جنوب استان کرمان ناحیه‌ای متفاوت شکل گیرد. این ناحیه شرایط بسیار مناسبی برای رشد و نمو

ویژگی‌های طبیعی- اکولوژیک از عوامل تأثیرگذار بر روندها و جریان‌های اجتماعی اقتصادی محسوب می‌شوند که در ابعاد مختلف مطرح هستند. ویژگی‌های مختلف توپوگرافی، زمین‌ساختی و آب و هوایی از عوامل ویژه طبیعی هستند که بر ساختارهای مختلف تأثیرگذارند. شناخت اقلیم و چشم‌انداز طبیعی که آثار و شواهدی از حضور انسان دنیای باستان در آن دیده می‌شود، به نحوی است که در مطالعات باستان‌شناختی بدون درک و یا عدم توجه به آن نمی‌توان به فهم و شناخت درست و دقیقی از اسباب و دلایل پیدایش حضور انسان، دوره روستانشینی و پس از آن عصر تمدن و شهرنشینی دست‌یافت. بنابراین امروزه در باستان‌شناسی بویژه در دوره پیش از تاریخ، مطالعات دیرین اقلیم‌شناسی از رهیافت‌های بنیادین به شمار می‌آید. جنوب شرق ایران و بویژه گستره جنوب استان کرمان به واسطه تنوع اقلیمی و جغرافیای طبیعی بسیار حائز اهمیت است. شناخته‌شده‌ترین درون‌داشتهای جغرافیایی، زیست‌محیطی و طبیعی این منطقه چون وجود ارتفاعات بلند و برف‌گیر برآسمان و جبال بارز در شمال تا شمال شرق شهرستان جیرفت، رود دائمی هلیل‌رود که از ارتفاعات ساردوئیه در شهرستان جیرفت و بلندی‌های بافت و رابر سرچشمه می‌گیرد و بعد از گذر از دره‌های

گیاهان و حیوانات از گذشته‌های دور فراهم آورده بود. وجود آب دائم هلیل‌رود، خاک حاصلخیز دشت جیرفت و آب‌وهوای مناسب موجب شد تا اجتماعات انسانی کناره دشت اسفندقه در غرب شهرستان جیرفت را از دوره نوسنگی برای استقرار انتخاب کنند. بر پایه بررسی‌های باستان‌شناسی تپه‌ها و محوطه‌های بسیاری بیش از ۸۰۰ تپه و محوطه یا گورستان در کناره‌های هلیل‌رود شناسایی شده است که حاکی از غنای این حوزه فرهنگی در مطالعات باستان‌شناسی دارد. بسیاری از این تپه‌ها در بررسی‌های باستان‌شناسان مورد شناسایی قرار گرفته و شماری از آن‌ها در فهرست آثار ملی ایران به ثبت رسیده‌اند. مجموعه اشتراکات و یکپارچگی که در بررسی و مطالعه فرهنگ‌های این حوزه مورد شناسایی قرار گرفته، سبب شده است تا از این حوزه به

سفال‌گاوکشی که از زیبایی در نقش، فرم، مقاومت و استحکام قابل توجهی برخوردار است، قدیم‌ترین سفال سراسر جنوب شرق ایران به شمار می‌رود. مطالعه مواد فرهنگی به دست آمده در کاوش تپه گاوکشی حکایت از شگفتی ارتباطات و مراودات فرهنگی و تجاری این بخش از ایران علاوه بر مناطق هم‌جواری چون استان امروزی فارس و خوزستان در غرب، با مناطق دوردست‌تری چون شمال سوریه تا جنوب شرق ترکیه دارد که تأمین‌کننده مواد خام سنگ آسیدین برای ساکنین رشته‌کوه زاگرس تا جنوب شرق این رشته‌کوه و جایی چون گاوکشی در جیرفت بوده است.

منطقه را شامل می‌شده است. بر پایه اسناد و مدارک باستان‌شناختی حاصل از سه فصل کاوش، تپه گاو کوشی دارای سه مرحله استقرار است. معماری از پیش طراحی شده که با علم به جغرافیا و اقلیم منطقه ساخته شده‌اند، قرینه‌ها در آن رعایت شده است و می‌توان اولین معابد دوره نوسنگی را در این محل سراغ گرفت.

در بُعد اقتصاد و شیوه معیشت وجود سنگ‌های مادر، فراوانی تراشه‌ها و دورریزها و وجود انواع ابزارهای سنگی دیگر در بین آثار به‌دست‌آمده از این تراشه نشان از تولید محلی و صنعت ابزارسازی بومی در این محوطه دارد. مطالعات گیاه باستان‌شناسی صورت گرفته بر روی نمونه‌های به‌دست‌آمده از درون فضاهای معماری میزان استفاده از دانه‌های خوراکی و غلات را مشخص ساخته است. به دست آمدن دانه گندم، جو و کنجد کربنیزه شده شواهد محکمی دال بر کشت این دانه‌های خوراکی در خلال دوره نوسنگی است. ابزارهای سنگی در خور تأملی از کوبنده‌ها و ساپنده‌ها نیز به‌دست‌آمده که دال بر استفاده از غلات و دانه‌های خوراکی در مصرف روزانه ساکنین محل به شمار می‌رود. مطالعات ارزشمندی بر روی نمونه‌های استخوان حیوانات صورت پذیرفته که حاکی از استفاده گونه‌های متنوع و مختلف حیوانات اهلی و وحشی در رژیم غذایی خانواده است. سفال گاو کوشی که از زیبایی در نقش، فرم، مقاومت و استحکام قابل‌توجهی برخوردار است، قدیم‌ترین سفال سراسر جنوب شرق ایران به‌شمار می‌رود. مطالعه مواد فرهنگی به‌دست‌آمده در کاوش تپه گاو کوشی حکایت از شگفتی ارتباطات و مراودات فرهنگی و تجاری این بخش از ایران علاوه بر مناطق هم‌جواری چون استان امروزی فارس و خوزستان در غرب، با مناطق دوردست‌تری چون شمال سوریه تا جنوب شرق ترکیه دارد که تأمین‌کننده مواد خام سنگ



شکل شماره (۱): فضاهای معماری و معبد دوره نوسنگی، تپه گاوکوشی - اسفندقه چیرفت

سه فصل کاوش باستان‌شناختی در فاصله سال‌های ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۵ خورشیدی در تپه باستانی گاوکوشی توسط نگارنده صورت گرفته است. داده‌های فرهنگی به‌دست‌آمده از کاوش در این تپه، فرایند شکل‌گیری استقرارهای اولیه یکجانشینی در دوره نوسنگی را پیش روی ما قرار می‌دهد. شکل‌گیری این گروه‌ها به سبب زیستگاه مناسبی بوده است که درون‌مایه جغرافیایی

نام «حوزه فرهنگی هلیل‌رود» در مطالعات باستان‌شناسی جنوب شرق ایران یاد کنیم. «هلیل‌رود» با طول مسافت حدود ۴۰۰ کیلومتر رود دائمی در جنوب استان کرمان است. این رود از سرچشمه‌های آن تا ورود به هامون جازموریان به سبب این‌که مهم‌ترین منبع آب به شمار می‌رود، عامل شکل‌گیری کهن‌ترین استقرارهای انسانی و جریان ساز فرهنگ‌ها و تمدن‌های انسانی از دنیای باستان تا به امروز بوده و درعین‌حال مهم‌ترین عامل پیونددهنده و زنجیره اشتراکات و مشابهت‌های فرهنگی بوده است. شهرستان چیرفت بخشی از این حوزه بزرگ فرهنگی است. کهن‌ترین آثار و شواهد حضور انسان در پهنه یادشده در کناره‌های غربی دشت اسفندقه، مناطق پایکوهی غرب دشت چیرفت و دامنه‌های شرقی رشته‌کوه بشاگرد در حوزه شهرستان قلعه گنج مورد شناسایی قرار گرفته است. از این آثار و شواهد می‌توان به دست‌افزارهای سنگی اشاره کرد که به دوره پارینه‌سنگی متأخر تعلق دارند. این ابزارها، اسناد ارزنده‌ای از پیشینه حضور انسان در دشت اسفندقه و مناطق پیرامون با اقلیم مشابه را پیش روی ما قرار می‌دهد.

دشت چیرفت با قابلیت‌های فراوان از منابع طبیعی و برخورداری از رسوب حاصلخیز حاصل از طغیان هزاره‌های متمادی هلیل‌رود، آب دائم این رود حیاتی، منابع غنی سنگ‌های معدنی در ارتفاعات پیرامون در اواخر هزاره چهارم تا آغاز هزاره سوم پیش از میلاد به یکی از مهم‌ترین مراکز بزرگ شهرنشینی در دنیای آن روز تبدیل شد؛ بنابراین می‌بینیم مرکز بزرگ شهری چون کناروند در بخش مرکزی دشت چیرفت به سبب قابلیت‌های زیست‌محیطی و موهبت‌های طبیعی این حوزه است که شکل گرفته و تا یک هزاره تداوم داشته است.

به شمار می‌رود؛ حوادث بی‌شماری به وقوع پیوسته است. مجید زاده آشکارترین این حوادث را افزایش اساسی جمعیت ساکن در منطقه جغرافیایی آسیای جنوب غربی می‌داند که موجب دگرگونی‌های قابل‌ملاحظه‌ای در توزیع جمعیت، ابعاد و دائمی شدن محوطه‌های مسکونی گردید (مجید زاده ۱۳۶۸:۳). شواهد و مدارک باستان‌شناسی در بخش‌های مختلف ایران و از جمله جنوب شرق ایران، مظهر تأییدی است بر گسترش محوطه‌ها و افزایش شمار محوطه‌های مسکونی که خود این عامل بدون شک پیامد افزایش جمعیت است. چایلد (۱۹۳۷) این منحنی جمعیت را با پیشرفت‌های فرهنگی مرتبط می‌داند. فرهنگ با همه زوایای آن بزرگ‌ترین و پیچیده‌ترین دستاورد انسان بود. ابزاری که به کمک آن جوامع توانسته‌اند اعضای خود را اداره کنند و سازمان پیچیده آن را به وجود آورند. (مجید زاده ۱۳۶۸:۴) چهار هزاره حد فاصل نخستین استقرارهای دائم دوره نوسنگی تا آغاز عصر مفرغ، پیشینه حضور، بالندگی، رشد فرهنگ در همه ابعاد آن، شکوفایی، توسعه، خلاقت، کشف و ابتکار تکنولوژی در زمینه‌های کشاورزی و اقتصادی است. ارتباط با مناطق دوردستی چون شمال سوریه تا جنوب شرق ترکیه امروزی و تأمین منابعی چون سنگ اُسیدین در دوره نوسنگی، برقراری کاروان‌های بزرگ تجارت کالا، شناسایی و کشف معادن سنگ چخماق که در امر تولید ابزار سنگی تا کشف فلز مورد استفاده قرار می‌گرفته است، تحول و تکامل کوره‌های اولیه سفالگری به‌منظور تولید سفال تجارتي تحول در تولید ابزار کشاورزی، تولید و به‌کارگیری ابزار شمارشی و نظام‌مند کردن تجارت و بازگانی کالا، کشف فلز و به‌کارگیری آن، پیدایش جرف و مشاغل تخصصی و شکل‌گیری نظام‌های اقتصادی و اجتماعی پشتوانه قوی و بسیار کهنی بود برای شکل‌گیری یک تحول بزرگ،

پایان این هزاره افزون بر دشت‌های غنی رسی، مراتع در دشت‌های کوهپایه‌ای و کوهستانی نیز پذیرای جمعیت‌های بزرگ انسانی بوده است. در همین دوره افزون بر ارتباطات منطقه‌ای، ارتباطات فرماندهی در نقاط دوردست‌تری چون دشت‌های پست رُسی میان رودان (بین‌النهرین) در عراق امروزی و دشت‌های خوزستان گسترش یافته و شاهد نفوذ و حضور فرهنگ‌های میان رودانی در جنوب شرق ایران هستیم. از این دوره به نام دوره آغاز نگارش در بین‌النهرین یاد شده است؛ فرهنگی که چندی نپایید که حضور آن در شرقی‌ترین مرزهای غرب آسیا آشکار شد. مشخصه این فرهنگ وجود سفال‌هایی با ویژگی‌های خاص چون سفال لبه وارخته است که در بسیاری از تپه‌ها و محوطه‌های باستانی جنوب شرق ایران دیده شده و شاهد حضور و نفوذ این فرهنگ در گستره بسیار وسیعی از جنوب شرق ایران هستیم. از آغاز استقرار دائم در روستاها که هم‌زمان با جنوب غرب آسیا و از جمله ایران و مناطق هم‌جوار، این حضور در جنوب شرق ایران در دشت اسفندقه جیرفت دیده می‌شود تا پایان هزاره چهارم پیش از میلاد که آغاز عصر برنز در ایران شناخته شده است؛ یک دوره زمانی معادل ۳۸۰۰ تا ۴۰۰۰ ساله

وجود این اشیاء محدود و انگشت‌شمار هیچ شکی باقی نمی‌گذارد که کالاهای یافت شده در این مناطق متعلق به فرهنگی خارج از مرزهای بین‌النهرین که عاری از کوه و منابع سنگ کلوریت بوده است، تعلق دارند. به دست آمدن اشیاء زرین در کنار اشیاء نیمه‌گران‌بهای سنگ کلوریت و مرمز از رفاه و ثروت و دارایی مردمان شهرنشین دشت جیرفت خبر می‌دهد که در کنار کارگاه‌های سفالگری، فلزکاری و تراش سنگ، کارگاه‌های جواهرسازی نیز فعال بوده است.

اُسیدین برای ساکنین رشته‌کوه زاگرس تا جنوب شرق این رشته‌کوه و جایی چون گاوکشی در جیرفت بوده است. نتایج کاوش در تپه گاوکشی آغاز راهی است برای شناخت یکی از مهم‌ترین ادوار زندگی بشر در جنوب شرق ایران که پیش‌ازاین ناشناخته بود. قابلیت‌ها و درون‌داشته‌های طبیعی حوزه فرهنگی هلیل‌رود سبب شد تا استقرارهای دوره نوسنگی در ادوار بعد چون دوره مس سنگ، عصر مفرغ و دوره تاریخی و اسلامی نیز تداوم یابد. در دوره مس سنگ اجتماع یا اجتماعات کوچک دوره نوسنگی تبدیل به اجتماعات و گروه‌های بزرگ‌تر در قالب شکل‌گیری روستاها و آبادی‌های متعدد در سراسر حوزه شده است؛ به‌نحوی که آثار و شواهد این حضور را در قالب تپه‌های باستانی در گستره‌ی حوزه مورد مطالعه می‌توان یافت. این دوره در باستان‌شناسی ایران به نام دوره روستانشینی میانی تا متأخر شناخته می‌شود. کاوش‌ها و پژوهش‌های باستان‌شناسی صورت گرفته در این دوره از گسترش فزاینده استقرارها در سراسر جنوب غرب (دشت ارزوئیه)، کناره‌ی هلیل‌رود در دشت‌های جیرفت، بلوک و رودبار تا دشت‌های پای کوهی غرب هامون جازموریان دارد. هر چند شواهدی از ارتباطات فرماندهی دیده می‌شود، اما در خلال هزاره ششم تا پنجم پیش از میلاد از جوامعی می‌توان یاد کرد که خوداتکا بوده و با اقتصاد متکی بر کشاورزی و دامداری امرامعاش نموده‌اند. اقلیم مناسب و مساعد آب و هوایی حوزه در پایان دوره مس سنگ نیز سبب گسترش بیش‌ازپیش جمعیت‌های انسانی هم در شمار و هم در سطح اشغال آبادی‌ها شده است؛ به‌نحوی که در خلال سده‌های پایانی هزاره چهارم پیش از میلاد که در باستان‌شناسی جنوب شرق ایران از آن به نام دوره علی‌آباد یاد می‌شود، می‌توان از غلبه اقتصاد متکی بر دامداری بر اقتصاد متکی بر کشاورزی یاد کرد. در

و محوطه‌های بزرگی چون تپه یحیی در دشت صوغان اُرزوئیّه (لمبرگ کارلوفسکی ۱۳۵۳-۱۳۴۷)، محوطه باستانی شهداد در کناره غربی لوت مرکزی (علی حاکمی و میرعابدین کابلی ۱۳۴۸-۱۳۸۱)، تپه‌های باستانی کنارصندل در بخش میانی دشت جیرفت (یوسف مجید زاده ۱۳۸۱-۱۳۸۶)، کاوش باستان‌شناسی گورستان بندجلال در دهستان رمشک شهرستان قلعه‌گنج، (حمیده چوبک ۱۳۷۷) شواهد ارزنده‌ای از عصر مفرغ جنوب شرق ایران و دوره شهرنشینی را پیش روی ما قرار می‌دهد.

اسناد و مدارک به‌دست‌آمده از کاوش‌های یاد شده اسناد محکم و متقنی از تداوم حضور انسان و روی آوردن آن از اجتماعات پراکنده روستایی در مناطق کوهستانی، دره‌های عمیق و دشت‌های رسی با اقتصاد متکی بر دامداری و کشاورزی به اجتماعات و مراکز شهری در مناطقی با قابلیت پذیرش جمعیت‌های انسانی و ایجاد بستری برای فعالیت‌های گسترده و متنوع است. دشت جیرفت با قابلیت‌های فراوان از منابع طبیعی و برخورداری از رسوب حاصلخیز حاصل از طغیان هزاره‌های متمادی هلیل‌رود، آب دائم این رود حیاتی، منابع غنی سنگ‌های معدنی در ارتفاعات پیرامون در اواخر هزاره چهارم تا آغاز هزاره سوم پیش از میلاد به یکی از مهم‌ترین مراکز بزرگ شهرنشینی در دنیای آن روز تبدیل شد؛ بنابراین می‌بینیم مرکز بزرگ شهری چون کنارصندل در بخش مرکزی دشت جیرفت به سبب قابلیت‌های زیست‌محیطی و موهبت‌های طبیعی این حوزه است که شکل گرفته و تا یک هزاره تداوم داشته است. منابع شناسایی شده از ارتفاعات شمال حوزه و کوره‌های ذوب مس به‌دست‌آمده در کاوش‌های کنارصندل و ساخت ظروف و اشیای زیبای هنری از جنس مس و یا مفرغ، شکل‌گیری صنعت فلزگری و فلزکاری را آشکار می‌کند که پیش از این در دوره مس سنگ آغاز شده بود و



شکل‌های شماره (۲) و (۳): اشیاء سفالی حاصل از کاوش‌های باستان‌شناسی دشت جیرفت- هزاره سوم پیش از میلاد

به گروه دیگر جلوگیری به عمل آید. به اعتقاد ابن خلدون نخستین مرحله از زندگی اجتماعی بادیه‌نشینی است و سکونت در شهرها و روستاها در مرحله بعدی قرار دارد و تشکیل سلطنت و دولت مقدم بر ظهور شهرها بوده است. ابن خلدون فیلسوف بزرگ اسلامی همچنین توجه خاصی به تأثیر محیط‌زیست بر شیوه‌های زندگی جوامع انسانی داشته است. کاوش‌های باستان‌شناختی صورت گرفته در گستره استان کرمان و تپه‌ها

همان‌که گوردون چاپلند (۱۹۳۷) از آن به نام «انقلاب شهرنشینی» یاد کرده است. عبدالرحمن بن خلدون (۷۳۳-۸۰۸ ه. ق) فیلسوف و مورخ بزرگ اسلامی می‌گوید، انسان به علت سرشت مدنی ناگزیر به گرد هم آمدن با هم‌نوعان خود و ایجاد تشکیلات اجتماعی است که در آن هر عضو برای رفع نیازهای خویش محتاج همکاری با دیگران است. پس از تشکیل جامعه، وجود یک حاکم در میان افراد آن جامعه اجتناب‌ناپذیر می‌گردد تا از تجاوز گروهی



شکل‌های شماره (۴) و (۵): اشیای ساخته‌شده از سنگ کلوریت و سنگ نشانی (مرصع کاری شده)



شکل شماره (۶): لوح آجری به دست آمده از کاوش‌های باستان‌شناسی کنارصندل- جیرفت (کهن‌ترین نمونه‌های نگارش)

شواهد محکمی است در انطباق با آنچه صاحب‌نظرانی چون چاپلند و رابرت آدامز از ویژگی‌های شهر و شهرنشینی برشمرده‌اند؛ هر چند شماری از این شاخص‌های انقلاب شهرنشینی که تمیز آن را از روستانشینی برشمرده‌اند، طی یک روند تدریجی گرد هم آمده و شکل گرفته است. شباهت کامل اشیاء و آثار به دست آمده از جنس سفال، سنگ کلوریت و فلز به لحاظ نقش و فرم از ارتباط تجاری مرکز بزرگ شهری دشت جیرفت با شهرهایی چون شهر سوخته در شرق، سواحل جنوبی خلیج فارس و دریای عمان در جنوب، حوزه رود سند در پاکستان امروزی و میان رودان در غرب دارد. ♦♦



شکل شماره (۷): بقایای معماری دژ حکومتی حاصل از کاوش‌های باستان‌شناسی کنارصندل- جیرفت

اشیاء نیمه گران‌بهای سنگ کلوریت و مرمر از رفاه و ثروت و دارایی مردمان شهرنشین دشت جیرفت خبر می‌دهد که در کنار کارگاه‌های سفالگری، فلزکاری و تراش سنگ، کارگاه‌های جواهرسازی نیز فعال بوده است و افزون بر ساخت اشیاء زرین، با وارد کردن سنگ لاجورد از ناحیه بدخشان در افغانستان امروزی و با واسطه مرکز بزرگ شهرنشینی دیگری چون شهر سوخته در شرق ایران امروز، مهره‌های زینتی و اشیاء سنگ لاجورد را نیز ساخته‌اند، اما به نظر می‌رسد مهم‌ترین دستاورد انسان شهرنشین در عصر مفرغ، ابداع خط بود که همزمان با بین‌النهرین و یا خوزستان در ایران شکل گرفت؛ از قدیم‌ترین نمونه‌های آن می‌توان به سه لوح آجری به دست آمده در کاوش‌های باستان‌شناسی کنارصندل اشاره کرد (شکل شماره (۶)).

معماری فاخر و وجود بنای آیینی که از آن به نام معبد یاد می‌کنیم از دیگر شاخصه‌های شهرنشینی به شمار می‌رود که آثار و شواهد آن در دل تپه کنارصندل جنوبی با بقایای حصار که گرداگرد یک بنای عظیم حکومتی را در بر گرفته است،

در عصر مفرغ به رشد، توسعه و تکامل رسید. شناسایی معادن سنگ‌های نیمه گران‌بهای چون سنگ کلوریت و تأمین این سنگ از شمال غرب جیرفت در کوه‌های باغ برج تا آشین و ارسال به کارگاه‌های ساخت و پرداخت سنگ تراشان در دشت جیرفت و تولید زیباترین اشیاء صنعتی و هنری را نمی‌توان ندیده گرفت؛ هنر صنعتی که آن را خاص فرهنگ حوزه هلیل‌رود می‌دانیم. این هنر صنعت خود نیازمند وجود شبکه بزرگی با تقسیم کار گسترده بود. گروهی به‌عنوان معدن کار اقدام به استخراج سنگ کلوریت از معدن نموده و با راه‌اندازی کاروانی از حمل‌ونقل کالا، آن را به کارگاه‌های تراش سنگ سپرده‌اند. صنعتگران هنرمند در کارگاه‌های مختلف و با درجه هنری متفاوت - که از روی آثار آن‌ها به خوبی می‌توان تشخیص داد- اقدام به تولید، نقش اندازی و در نهایت سنگ نشانی اشیاء نموده‌اند (شکل شماره (۴) و (۵)) به درستی نمی‌دانیم، اما شاید گروه هنرمندان متفاوت از گروه صنعتگران بوده و نقش اندازی و سنگ نشانی (مرصع کاری) توسط گروهی خاص صورت می‌گرفته است. اشیاء که از تنوع فراوانی برخوردار بوده و می‌توانسته به سفارش افراد صورت گرفته باشد، تحت تأثیر فرهنگ حاکم بر جامعه آن روز نقش اندازی شده و در نهایت به تجار و کاروان‌های بزرگ تجارت و بازرگانی کالا سپرده شده است تا به مناطق دوردست صادر گردد؛ به نحوی که امروزه با کاوش‌های صورت گرفته تعداد انگشت‌شماری از این کالاهای صادر شده آن روز دنیای باستان را در مناطقی از جنوب عراق تا عربستان می‌بینیم.

وجود این اشیاء محدود و انگشت‌شمار هیچ شکی باقی نمی‌گذارد که کالاهای یافت شده در این مناطق متعلق به فرهنگی خارج از مرزهای بین‌النهرین که عاری از کوه و منابع سنگ کلوریت بوده است، تعلق دارند. به دست آمدن اشیاء زرین در کنار